

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۷ دسمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

رابطه فقر و بی دانشی

در صدسال گذشته تلاش افغان‌ها برای سیرکردن شکم به نتیجه نرسیده است. دو جبهه اصلی مدعی آوردن نان به دسترخوان مردم وجود داشته، یکی رو به گذشته و آسمان داشته است و دیگری رو به آینده و مردم. دشنام طالبان به دانشگاه و نظام تحصیلی مدرن، ایستادن آن گروه در برابر کار و آموزش زنان اتفاق تازه نیست و در صدسال گذشته با قدرت گرفتن فکر تعلیم در درون اقلیتی از مردم، دایم دشمنی با کار و تحصیل جریان داشته است. در بیست سال گذشته نیز هرچند پروژه‌های خارجی پشت آبادی و ویرانی بود، اما اگر باور "نان با بغاری پیدا می‌شود" در ذهن گروه بزرگی از مردم جای نمی‌داشت، کمپاین مبارزه با سرک، برق، مکتب، دانشگاه، کار، آبادی و پیشرفت چنان موفقانه پیش نمی‌رفت که امروز ویرانگران حاکم شوند و شاهد گرسنگی جمعی ملت خود باشیم. سیر کردن شکم فرد با گدائی، دزدی یا زورگیری ممکن است، سیرکردن شکم خانواده و حتی یک گروه نیز با دشمنی با علم و ویرانی سرک ممکن است، اما سیرکردن شکم ملت بدون اتکاء به دانش و تکنالوجی در عصر ما امکان ندارد. این را گروهی از وطنداران ما از قدیم می‌دانسته‌اند و حداقل از صدسال به این سو جنبش‌های بزرگی درین راستا خلق شده است. آینده آبادی این ملک را نیز کسانی تضمین می‌توانند که به دانش مدرن و تکنالوجی اتکاء کنند. طالبان و گروهی از تحصیل‌کردگان طالب‌فکر شاید تصور کنند که وطن داریم، زمین داریم، معدن داریم، مرز و تجارت داریم، لذا وقتی حکومت را به دست گرفتیم از همین‌ها نان پیدا می‌کنیم. اما تاریخ ثابت کرده است که زمین و معدن و آب و نیروی بشری بدون دستان ماهر و کله‌های هوشیار - تعلیم و تکنالوجی - و با اتکاء به مدرسه و دعا نمی‌توانند شکم مردم را سیر کنند. برای نمونه از سه مرحله تاریخ کشور ما که در اسناد رسمی و حافظه جمعی گروه بزرگی از وطنداران دوران‌های طلایی ثبت شده است شاهد می‌آورم تا متوجه شویم که بدون علم و تکنالوجی حتی اگر امپراتوری هم بسازیم سیر نخواهیم شد و دوباره به چاه جنگ و گرسنگی خواهیم غلتید.

اول) کمک و مشوره خارجی بدون مهارت و تکنالوجی داخلی سیر نمی‌کند.

از بیست سال گذشته نمی‌گویم چون همه شما تجربه دست اول از آن دارید. کمی عقب‌تر می‌رویم. در اواخر حکومت ظاهرشاه و دوران داوودخان تلاش‌هایی برای آبادی افغانستان شد. این تلاش‌ها با واکنش شدید اقشار سنتی و محافظه‌کار مواجه گردید. در عین حال، زیربنای علمی و تکنالوجیک آبادی در کشور به قدر کافی نداشتیم و آنچه ساخته می‌شد بیشتر به قرضه یا کمک خارجی‌ها استوار بود. این بی‌بنیادی تلاش‌های توسعه باعث شد که به آسانی متوقف شود و بعد فرو ریزد. مجید زابلی در نامه‌ای به داوودخان در سال ۱۹۷۴، زمانی که تازه قدرت را گرفته بود، از او دعوت می‌کند که به انکشاف علمی و تخنیکی کشور توجه کند و یادآور می‌شود که تنها با اتکاء به مشاوران خارجی و بدون نیروی "کارداران لایق داخلی" ممکن نیست. او در بخشی از نامه‌اش از رکود دهساله اقتصادی سخن می‌گوید و آن را به اتکای دولت به پلان‌گذاران و مشاوران خارجی ارتباط می‌دهد. زابلی می‌گوید تنها راه سیر شدن و آرام شدن مملکت تربیت نیروی متخصص است و به کمک خارجی، قرضه و آوردن مشاوران خارجی جانی نمی‌رسیم. همان‌طور شد. آنچه با پلان و مشاور و قرضه خارجی ساخته بودند، فرو ریخت.

ب) منابع داخلی بدون دانش مدرن و تکنالوجی ملت را سیر نمی‌تواند

Amir Abdul Rahman Khan left behind himself an organised and settled kingdom, with full treasury. At his death there were in the treasury

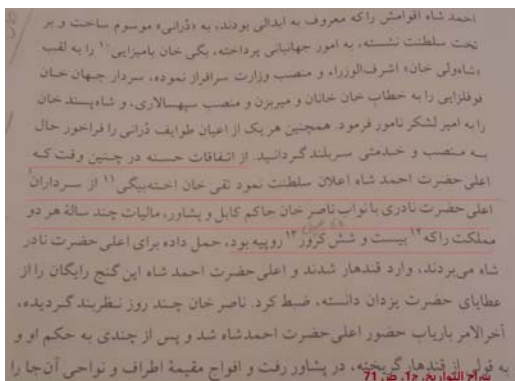
seventy millions of Kabuli rupees in cash, and thirty millions worth of gold (coin and bullion), Indian currency-papers, precious stones and jewellery.

A Review of the Political Situation in Central Asia,

Dr. Abdul Ghani pp64/65

revenue is always fluctuating in prices, in the rates of taxation due to other causes, and in the honesty of officials in charge of various octroi posts. The total revenue, however, may be estimated at an average between thirty and forty millions of Afghan rupees. In the land-revenue there is another difficulty; it has never been fully realised. Partly through the poverty of the people and partly through the dishonesty of the officials, there are arrears of a million or more every year. They are annually counted, and efforts made to realise them, but they are of very little use. Therefore annual additions make it such a heavy burden upon the people that one of the strongest arguments for a new successor to the throne to win the people is the granting of remission from all such arrears.

داکتر عبدالغنی از بنیان‌گذاران تعلیم عصری در دوران حبیب‌الله خان یک عالم هندوستانی بود. او وقتی از افغانستان به هند رفت کتابی در مورد وضعیت سیاسی آسیای میانه نوشت که بخشی از آن به افغانستان اختصاص یافته است. عبدالغنی مدتی در دربار امیر عبدالرحمان نیز کار کرده بوده و با آن امیر از نزدیک آشنائی داشت. داکتر هندی می‌نویسد که عبدالرحمان خان برای سیر کردن شکم دولتش انواع مالیات می‌گرفت و این مالیات گاهی چنان سنگین بود که مردم پرداخته نمی‌توانستند و به سال بعد موکول می‌شد. با این تدبیر عبدالرحمان توانسته بود مقداری بودجه ذخیره کند و بعد از خود مبلغ هفتاد میلیون روپیه کابلی نقد و به ارزش سی میلیون روپیه طلا، اسعار هندی و سنگ‌های قیمتی به جای گذاشت. این مبلغ نزدیک سه‌چند مالیات سالانه افغانستان {سی تا چهل میلیون روپیه} در آن زمان بود. غنی اما تدبیر امیر عبدالرحمان را نیز ناکام می‌داند و می‌گوید افغانستان بدون انکشاف منابع کشور پیشرفت نمی‌تواند {یعنی به زراعت سنتی، بغاری و عواید تجارتي نباید اتکاء کند}، و ابزار انکشاف منابع، توسعه دانش مدرن علمی و فنی است. او نوشته است که افغان‌ها از نظر دانش مدرن بسیار فقیرند و فقط تعدادی ملا و مقداری کتاب قدیمی از مُدرفته دارند. او در ۱۹۲۱ آن توصیه‌ها را نوشته بود، و با تأسف صدسال بعد، هنوز سرنوشت افغان‌ها در دست کسانی است که نمی‌دانند نان به دست آوردن مهارت و فن می‌خواهد.



ج) پول و سرمایه بدون تکنالوجی و علم سیری نمی‌آورد
زمانی که احمدشاه جوان در اواسط قرن هجده قصد اعلان
پادشاهی کرد، کاروانی از پیشاور و کابل راه افتاده بود تا مبلغ
کلانی را که از مالیات چندسال گذشته مانده بود به نادرشاه
برساند. این کاروان از قندهار می‌گذشت. احمدشاه
۶۰,۰۰۰,۰۰۰ روپیه گنج رایگان به دست آورد. آن گنج را آب
نمود و سکه‌هایی را به‌نام خود ضرب کرده دولت نیرومندی
تشکیل داد. بعد از آن نیز مبالغ بزرگی را از هندوستان غنیمت

گرفت. اما، رقیب ظاهراً کوچک اما مجهز به تکنالوجی {کمپنی هند شرقی} در هند تازه جای پا باز کرده بود. آن رقیب
به تدریج با نیروی تکنالوجی و دانشش هند را تسخیر کرد و افغانستان را به انقیاد درآورد. پول‌های رایگانی که به گفته
کاتب "عطای خداوندی" دانسته می‌شد، طلا و زیوراتی که خروار خروار از هند آورده شده بود افغانستان را سیر
نکرد.

بعد از احمدشاه ابدالی، امیران و شاهان زیادی به دعا، ملا و پیر اتکاء کردند و کسانی از آنان حتی خرمهره و تعویذ
داشتند، اعتکاف می‌کردند نذر و خیرات می‌کردند، اما وطن آباد نشد و ملت ما با گذشت هر روز از رقابت‌های جهانی و
منطقه‌ئی حذف شد و کار به‌جائی کشید که امروز در داخل کشور رقیب همسایه، بیگانه و باندهای نیابتی‌شان نیستیم.
سیری حاصل دانش است. در کشوری که پوهنتون و مکتب قدر نداشته باشد، مردم گرسنه خواهند ماند. نیروئی که
اهمیت دانش و مهارت‌های تکنالوجیک را نداند، شایسته حاکمیت چه که حتی شایسته نان و نمکی که مفت می‌خورند
نمی‌باشند. اینان باید تربیت مجدد شوند.

برای سیر شدن به دامن مکتب، دانشگاه، کارگاه، لابراتوار، فابریکه، مراکز تحقیق و بازار محکم بچسبیم.